

## A Study of the Effect of Gender Diversity in Board of Directors on Tax Evasion Considering the Moderating Role of Social Accountability

Hossein Ahmadpour<sup>1</sup>, Akbar Kanani<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Student, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran  
(Corresponding author), auditor.hossein@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.  
Akbarkanani2000@yahoo.com

### Abstract

**Purpose:** The purpose of the present research is to study the impact of gender diversity in board of directors on tax evasion considering the moderating role of social accountability in corporations accepted in Tehran Stock Exchange during 2014 to 2021.

**Method:** The research statistical population consisted of all corporations accepted in Tehran Stock Exchange, among which 105 companies were chosen as the study sample. Multivariate linear regression statistical analysis was used for the research hypothesis testing. Panel data were used for the hypothesis testing.

**Results:** The research results showed that gender diversity in board of directors has a significantly positive relation with social accountability. Moreover, gender diversity in board of directors has a significantly negative relation with tax evasion. Social accountability intensifies the correlation between gender diversity in board of directors and tax evasion.

**Conclusion:** With regard to the impact of gender diversity on board of directors, it is suggested to the managers, investors, and creditors to pay more attention to gender diversity in board of directors in order to avoid the abusive behavior of directors and corporate tax evasion. Besides, it is recommended to the tax auditors to monitor companies that have social irresponsibility because they have higher risk of tax evasion. Managers of corporations which have more social accountability can take measures to attract more investment by giving transparent financial statements and highlighting their accountability to the investors.

**Keywords:** Gender Diversity, Tax Evasion, Social Accountability, Board of Directors.

<http://sebaa.journal.qom-iau.ac.ir/>

Received: 2023/06/25 ; Revised: 2023/07/22 ; Accepted: 2023/08/02 ; Published online: 2023/08/24

<https://doi.org/10.22034/sebaa.2023.704614>

Publisher: Qom Islamic Azad University

Article type: Research

© the authors



## بررسی تاثیر تنوع جنسیتی در هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی

حسین احمدپور<sup>۱</sup>، اکبر کنعانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول)، auditor.hossein@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران، Akbarkanani2000@yahoo.com

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر تنوع جنسیتی در هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۴۰۰ است.

**روش:** جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند، از این میان، ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. از تحلیل آماری رگرسیون خطی چندمتغیره برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از داده‌های تابلویی استفاده شده است.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، رابطه مثبت و معناداری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد. همچنین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، رابطه منفی و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، با اجتناب مالیاتی را تشدید می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** به مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود با وجود تاثیر تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، به منظور جلوگیری از اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، در تصمیم‌گیری‌های خود به تنوع جنسیتی در هیأت مدیره توجه بیشتری کنند. به حساب‌رسان مالیاتی نیز توصیه می‌شود به شرکت‌هایی که فعالیت‌های غیرمسئولانه اجتماعی دارند، توجه بیشتری نشان دهند؛ زیرا امکان فعالیت‌های اجتناب مالیاتی در آن شرکت‌ها بیشتر از دیگران است. مدیران شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی بیشتری داشته‌اند، می‌توانند با ارائه صورت‌های مالی شفاف و با پررنگ نشان دادن اینکه در برابر سهامداران احساس مسئولیت بیشتری دارند، برای جذب سرمایه بیشتر اقدام کنند.

**کلیدواژه‌ها:** تنوع جنسیتی، اجتناب مالیاتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، هیأت مدیره.

استاد به این مقاله: احمدپور، حسین؛ کنعانی، اکبر (۱۴۰۲). بررسی تاثیر تنوع جنسیتی در هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابداری*، ۳(۳)، ص ۹۱-۱۲۲.

<https://doi.org/10.22034/sebaa.2023.704614>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

© the authors

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



## ۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین هزینه‌های هر شرکتی، هزینه‌های مربوط به مالیات است که در پژوهش‌های متعدد به تفصیل بررسی شده‌اند؛ این هزینه‌ها رابطه مستقیمی با عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت دارند. برخی مطالعه‌ها مانند سیکا و همکاران (۲۰۱۰)، نیز درباره انگیزه‌های موجود برای اتخاذ راهبردهای اختیاری به منظور به حداقل رساندن مالیات انجام شده‌اند. با وجود این، برخی از مطالعه‌ها نیز معتقدند شرکت‌ها به جای کاهش پرداخت مالیات، به دنبال به حداکثر رساندن آن هستند تا از این طریق، به حفظ وجهه عمومی خود کمک کنند. مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، شرکت‌هایی که به عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی خود اهمیت می‌دهند، از انگیزه زیادی برای حفظ وجهه خود برخوردارند (دران و همکاران، ۲۰۱۶). در حقیقت، این شرکت‌ها شهرت خود را بر پایه عملکرد مسئولیت اجتماعی بنا می‌نهند و بنابراین، افزایش وجهه مسئولیت اجتماعی شرکتی، از اهمیت بسزایی برای آنان برخوردار است (اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی، با پیامدهای منفی برای وجهه شرکت‌ها همراه است، شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی می‌بایست از انجام فعالیت‌های صرفه‌جویی مالیاتی خودداری کنند. با وجود این، بعضی اوقات مشاهده شده است که شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی نیز به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی اقدام کرده‌اند (ماسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). درنهایت، آنچه مشخص است، وجود شواهد متعارض در زمینه رفتار شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی در بحث پرداخت مالیات می‌باشد.

در گزارش‌های مالی، مالیات نشانگر سهم دولت از سود شرکت‌ها است. اجتناب مالیاتی به معنای صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از کاهش مالیات پرداختی عمومی است که گاهی اوقات قانونی بودن آن مورد تردید بوده و به مفهوم تعداد معاملات برای به حداقل رساندن بدهی‌های مالیاتی به‌شمار می‌آید. شرکت‌ها مسئولیت‌هایی در مقابل ذینفعان جامعه و سایرین دارند که تحقق این مهم گاهی در گرو رعایت سایر مسئولیت‌ها نیز می‌باشد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، معیارهایی هستند که می‌تواند نمایانگر اهداف پاسخگویی مدیران در شرکت‌ها باشد.

اجتناب از پرداخت مالیات، توجه فزاینده‌ای را در پژوهش‌ها به خود جلب کرده است (رحمان و همکاران، ۲۰۲۱). اجتناب از مالیات شرکتی معمولاً به عنوان اقداماتی تعریف می‌شود که مالیات شرکت را نسبت به درآمد حسابداری قبل از مالیات آن کاهش می‌دهد (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰).

در واقع، مالیات به عنوان هزینه مادی برای شرکت‌ها در نظر گرفته شده است و جریان نقدی موجود برای صاحبان آن‌ها را به حداقل می‌رساند (سوراتنا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، انگیزه شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌های مالیاتی، از طریق استراتژی‌های اجتناب از مالیات است (چن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). در این راستا، اجتناب از پرداخت مالیات، تلاشی است که به طور قانونی و ایمن توسط شرکت‌ها، بدون نقض مقررات مالیاتی قابل اجرا انجام می‌شود، زیرا روش‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده، برای بهره‌گیری از نقاط ضعف مندرج در قوانین و مقررات مالیاتی است. مطالعات پیشین، سیستم حاکمیت شرکتی را به عنوان عامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری برای انجام اجتناب مالیاتی بررسی کرده‌اند (گوویندان و همکاران، ۲۰۲۱). مناسب‌ترین بخش این سیستم، وجود یک هیئت مدیره پرانرژی و منسجم است. هیئت مدیره‌ها نقش بالقوه حیاتی در کاهش مشکلات نمایندگی، طراحی و اجرای استراتژی و تقویت پیوند بین شرکت و محیط خارجی آن دارند (آرورا و همکاران، ۲۰۱۸). هیئت مدیره مسئولیت نهایی امور مالیاتی شرکت را برعهده دارد و در قبال آن‌ها توسط سهامداران و سایر ذینفعان مسئول است. برخی از محققین، رابطه بین ساختار هیئت مدیره و اجتناب از مالیات شرکتی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ با این حال، مطالعات کمی به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه حضور مدیران زن بر سطح اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، شایسته است آنچه را که محققان قبلی نسبتاً نادیده گرفته بودند، مورد مطالعه قرار گرفته و بیش جدیدی در مورد رابطه بین تنوع جنسیتی هیئت مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات ارائه شود.

بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی با فرآیند تصمیم‌گیری یک شرکت مرتبط است. تنوع جنسیتی یک شرکت را قادر می‌سازد تا به یک ساختار حکمرانی خوب دست یابد. در رابطه با اجتناب مالیاتی شرکتی، مطالعات تجربی قبلی به طور کلی نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی هیئت مدیره، با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی دارد. تنوع جنسیتی هیئت مدیره به عنوان یک مکانیسم کلیدی حاکمیت شرکتی در نظر گرفته می‌شود که نظارت مؤثری بر تصمیمات مدیریت در ارتباط با اجتناب مالیاتی اعمال می‌کند. مدیران زن با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود، احتمالاً تصمیمات معقول‌تر و کم‌خطرتری از مردان را می‌پذیرند و این ممکن است در تصمیمات مالیاتی شرکت‌ها برای پرداخت زمان بیشتر به مالیات و استفاده از معافیت‌های مالیاتی پدیدار شود (حسینی و همکاران، ۲۰۱۹). آن‌ها می‌توانند از طریق تصمیم‌گیری و سیاست‌هایی که می‌توانند اجتناب

1. Suranta

2. Chen

مالیاتی را کاهش دهند، به نفع شرکت‌ها باشند، زیرا استانداردهای اخلاقی بالاتر، و دقت بیشتر و تمایل به اجتناب از ریسک در تصمیم‌گیری دارند (پرتیوی و همکاران، ۲۰۲۱). با این وجود، مطالعات قبلی که تاثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره را بر اجتناب از مالیات شرکتی بررسی نموده‌اند، محدود به بررسی ارتباط مستقیم بوده و تحلیل غیرمستقیم در نظر گرفته نشده است. به ویژه، تاثیر غیرمستقیم سایر ویژگی‌های ساختاری و زمینه‌ای شرکت که تاثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری، انگیزه و جهت‌گیری سازمانی دارند، مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند.

از این رو، در پژوهش حاضر ارتباط غیرمستقیم بین تنوع جنسیتی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی شرکتی جالب توجه است. از این لحاظ، مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر غیرمستقیم مسئولیت اجتماعی شرکت بر رابطه بین تنوع جنسیتی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است.

مطالعات موجود تعاریف مختلفی را برای مسئولیت اجتماعی شرکت ارائه کرده‌اند، اما کلی‌ترین تعریف مورد استفاده در مطالعات قبلی، تعریفی است که توسط کارول<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) به عنوان مفهومی که انتظارات اقتصادی، اخلاقی، اختیاری، تجاری و قانونی را که جامعه از شرکت‌ها دارد، یکپارچه می‌کند. تعریف اخیر مسئولیت اجتماعی شرکت، توسط سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) به عنوان تصمیم‌گیری شرکت‌ها مطابق با رفتار شفاف و اخلاقی و مسئولیت شرکت‌ها در مورد تاثیر تصمیمات و فعالیت‌های خود بر جامعه و محیط زیست ارائه شده است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات پژوهشی زیر است:

(۱) چگونه تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت تاثیر می‌گذارد؟

(۲) آیا مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه بین تنوع جنسیتی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند؟

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند موجب بسط مبانی تجربی پژوهش‌های گذشته شود و به توسعه ادبیات حسابداری و مالیاتی در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران، کمک شایانی کند. همچنین، پژوهش حاضر، ضمن پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، درصد درک نقش تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، در زمینه روش‌های صرفه‌جویی مالیاتی و نیز بررسی نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این زمینه است و نشان خواهد داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی چه

تأثیری بر رفتار اقتصادی و اخلاقی شرکت‌ها می‌گذارد که این موضوع به‌عنوان دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

چگونگی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را می‌توان در چارچوب نظریه نمایندگی و ذینفعان جستجو نمود. مطابق نظریه نمایندگی، شرکت به‌عنوان یک توافق یا قرارداد بین سهامداران و مدیران، با هدف منحصربه‌فرد ایجاد ثروت برای سهامداران تعریف می‌شود (جنسن<sup>۱</sup> و همکاران ۱۹۷۶). یکی از قوی‌ترین طرفداران این دیدگاه، میلتون فریدمن برنده جایزه نوبل در اقتصاد، بانی مکتب شیکاگو در اقتصاد و اقتصاد اثباتی است. وی عقاید و برداشت‌های خود را پیرامون مسئولیت‌های اجتماعی چنین بیان می‌کند که، تنها و فقط مسئولیت اجتماعی کسب‌وکار، استفاده از منابع شرکت در فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، برای افزایش سود، به شرط رعایت قوانین و مقررات، و با در نظر گرفتن شرایط فضای رقابتی کسب‌وکار، به دور از فریب و تقلب است. ایشان از مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک دکترین «مخرب» نام می‌برد که در نهایت باعث تحلیل رفتن مبانی جامعه آزاد می‌شود، بدین طریق که سازمان‌ها به بهانه مسئولیت اجتماعی، به جای توجه به ذینفعان خود، صرفاً مبادرت به ایجاد یک‌سری واحدهای سازمانی می‌نمایند. ایشان تأکید دارد که مشارکت در مسئولیت‌های اجتماعی توسط مدیران، به‌منظور دستیابی به منافع شخصی به‌کار گرفته می‌شود و این در عمل باعث افزایش شهرت و اعتبار مدیران و بدلیل افزایش هزینه‌های شرکت، بدون در نظر گرفتن منافع اقتصادی آن، می‌گردد، و این در تضاد با منافع و خواسته‌های سهامداران است (فریدمن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۰).

با مروری اجمالی بر پیشینه پژوهش، جریان غالب از این رویکرد پشتیبانی می‌کند که مسئولیت اجتماعی، به دلیل تضمین شهرت و پایگاه اجتماعی و اخلاقی شرکت‌ها، موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آنان می‌شود. از این‌رو، استراتژی مسئولیت اجتماعی، شفافیت مالی و مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدین معنی که اگرچه از دیدگاه تئوری نمایندگی، هدف اصلی شرکت، حداکثرسازی ارزش سهامداران است، اما برای دستیابی به این هدف، مطابق تئوری ذینفعان،

1. Jensen

2. Friedman

بنگاه‌ها باید سعی کنند نیازهای ذینفعان را رعایت نمایند (هیل<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۲). براساس نظریه نمایندگی، یک شرکت در قالب توافق یا قرارداد منعقدشده بین سهامداران و مدیران، با هدف ایجاد ثروت برای سهامداران، تعریف می‌شود (جنسن و همکاران، ۱۹۷۶). با وجود این، دغدغه‌های جوامع درباره مسائل محیطی و اجتماعی در طی دهه‌های اخیر، به شدت افزایش یافته است. دامنه این دغدغه‌ها به محیط شرکت‌ها نیز انتقال پیدا کرده است؛ زیرا انتظار می‌رود توجه شرکت‌ها معطوف به فعالیت‌های دوستدار مسئولیت اجتماعی شود. در طی سال‌های گذشته، تعداد شرکت‌های فعال داوطلب در عرصه مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی به شدت رو به افزایش بوده و این مسئله توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. فارغ از دغدغه‌های اجتماعی، یکی دیگر از دغدغه‌های همیشگی شرکت‌ها، سهم مالیات‌ها در هزینه‌های شرکت است؛ زیرا پرداخت مالیات همواره به معنی کاهش ثروت سهامداران است. در سال‌های اخیر، دغدغه‌های پژوهشی درباره رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی، همواره وجود داشته است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸). مطابق با ادبیات پژوهش، وجود تعادل بین اهداف زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی از ضرورت بسیاری برخوردار است؛ زیرا همان‌طور که پرداخت مالیات از سوی شرکت برای جامعه منافی دارد، بر عملکرد اجتماعی و زیست محیطی شرکت نیز تأثیرگذار خواهد بود (دارابی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین، اجتناب مالیاتی یا هرگونه اقدامی در راستای صرفه‌جویی مالیاتی، ممکن است بر علیه منافع جامعه باشد. اجتناب مالیاتی ممکن است تأثیر منفی بر وجهه شرکت به‌عنوان ارزشمندترین دارایی شرکت داشته باشد.

در این پژوهش نظریه نمایندگی برای توضیح تأثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی، با در نظر گرفتن نقش مسئولیت اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. این نظریه بر این فرض استوار است که حضور زنان در هیئت مدیره، در نظارت بر تصمیم‌گیری مؤثرتر و انعطاف‌پذیرتر است (جربویی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). تنوع جنسیتی می‌تواند نظارت مدیریتی را بهبود بخشد و در نتیجه، منجر به تصمیمات بهتر از نظر کاهش مشکلات نمایندگی شود (لانیس و همکاران، ۲۰۲۰). حضور زنان در هیئت مدیره شرکت‌ها می‌تواند حاوی رفتارهای خودخواهانه و فرصت‌طلبانه مدیران باشد و تصمیم‌های نادرست آن‌ها مانند اجتناب از پرداخت مالیات، برای به حداکثر رساندن منافع سهامداران را آشکار کند. طرفداران نظریه نمایندگی استدلال می‌کنند که مدیران زن ممکن است به

1. Hill

2. Chouaibi



عنوان مکانیزم نظارت و کنترل بر فعالیت هیئت مدیره عمل کنند؛ زیرا نظارت بهتری بر عملکرد مالی ارائه می‌دهند. مطالعات گذشته تأثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر عملکرد و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. آن‌ها برای پیش‌بینی رابطه بین حضور زنان در هیئت مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت، به نظریه وابستگی به منابع اشاره می‌کنند. این نظریه معتقد است که هیئت مدیره‌های متنوع‌تر، به دسترسی بهتر به منابع، کاهش وابستگی به منابع محیطی، ارائه دیدگاه‌های مختلف، مشاوره، مشروعیت، ارتباط‌های تجاری و کانال‌های اطلاعاتی کمک می‌کنند. این امر به بهبود پویایی تصمیم‌گیری، با توجه به استراتژی شرکت و حمایت از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت منجر می‌شود. در چارچوب نظری تئوری وابستگی، مطالعات گذشته تأیید می‌کند که تنوع جنسیتی هیئت مدیره، دیدگاه‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های مختلفی را فراهم می‌کند که قدرت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد. طرفداران نظریه وابستگی به منابع همچنین استدلال می‌کنند که حضور مدیران زن در اتاق هیئت مدیره می‌تواند ظرفیت نظارت هیئت مدیره را بهبود بخشد (مارتنز و همکاران، ۲۰۲۰). از آنجایی که مدیران زن نسبت به جامعه، محیط و اخلاق حساس‌تر هستند، تصور می‌شود که آنان بیشتر به مسائل اجتماعی توجه دارند (علی و همکاران، ۲۰۲۱). در این زمینه، مطالعات موجود نشان داده که شرکت‌هایی با تعداد اعضای هیئت مدیره زن بیشتر، از شهرت اجتماعی مطلوب‌تری برخوردار بوده و توانایی بیشتری برای برآورده کردن نیازهای سهامداران خود دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد تنوع جنسیتی و تخصص مدیران، از عوامل موثر بر میزان فعالیت‌های شرکت‌ها در راستای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی باشد.

نتایج پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی، با فرآیند تصمیم‌گیری یک شرکت مرتبط است. تنوع جنسیتی، یک شرکت را قادر می‌سازد تا به یک ساختار حکمرانی خوب دست یابد. این امر به هیئت مدیره این امکان را فراهم می‌کند تا با در نظر گرفتن منافع چندین گروه از سهامداران، استراتژی شرکت را برنامه‌ریزی نماید. طرفداران تئوری نمایندگی، زنان را قادر به کاهش مشکلات نمایندگی می‌دانند؛ زیرا آنها دیدگاه‌های متنوع‌تری را در مورد توجه بیشتر به انتظارات ذینفعان ارائه می‌دهند و می‌توانند منابع شرکت را به طور موثرتر و کارآمدتر تخصیص دهند. آن‌ها همچنین تنوع جنسیتی هیئت مدیره را به عنوان مکانیسم کلیدی حاکمیت شرکتی در نظر می‌گیرند که نظارت مؤثری بر تصمیمات مدیریت در ارتباط با اجتناب مالیاتی اعمال می‌کند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷). از آنجایی که زنان ریسک‌گریز هستند، احتمالاً در تصمیم‌گیری‌ها، از جمله در برنامه‌ریزی مالیاتی، دقت بیشتری خواهند داشت. براساس تئوری نمایندگی، مطالعات متعدد گذشته حاکی از ارتباط منفی بین تنوع جنسیتی در هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی است. به عنوان مثال، ریچاردسون و



همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که حضور زنان در هیئت مدیره، استانداردهای اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند، به نظارت دقیق‌تر بر استراتژی‌های مالی و مالیاتی، ترتیبات و معاملات کمک کرده و نظارت و ارتباطات مؤثر را تسهیل می‌کند. همچنین حضور زنان در هیئت مدیره شرکت‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی در کاهش اجتناب مالیاتی داشته باشد. همانطور که تاکنون ذکر شد، تنوع جنسیتی هیئت مدیره به طور مثبت بر اجتناب از مالیات شرکتی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، تنوع هیئت مدیره، به اعضای هیئت مدیره اجازه می‌دهد تا چارچوب‌های شناختی مختلفی را بسیج کنند و اینها به دلیل تنوع، باعث می‌شود تا منافع چند ذینفع از جمله منافع سهامداران در نظر گرفته شود (دخلی و همکاران، ۲۰۲۱). از طرف دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بر فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکت تأثیر منفی می‌گذارد. شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی، بیشتر به داشتن شفافیت، صداقت و اعتبار خوب در بین ذینفعان، نیاز دارند. مدیران به جای پاسخگویی به انگیزه‌های فرصت‌طلبانه، در فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکتی شرکت می‌کنند، تا انتظارات اخلاقی را برآورده سازند. برخی از شرکت‌ها به طور استراتژیک در فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکتی، مشارکت می‌کنند تا اعتبار مطلوب‌تری در میان سهامداران مختلف ایجاد نموده و احتمال توجه منفی یا اقدامات نظارتی معطوف به شیوه‌های مالیاتی تهاجمی و پیامدهای چنین توجه یا اقدامی را کاهش دهند (دیویس و همکاران، ۲۰۱۶).

همچنین نتایج تحقیقات نشان داده است که مدیران زن و مسئولیت اجتماعی شرکت، وقتی با هم ترکیب شوند، توجه به نیازهای سهامداران را افزایش می‌دهند (جربویی و همکاران، ۲۰۲۰). به عنوان مثال، دسای و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهشی به بررسی اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اجتناب مالیاتی از نظر نحوه مدیریت سیستم‌ها و فرآیندهای شرکت‌ها، با توجه به رفاه جامعه به عنوان یک کل پرداختند. نتایج نشان داد شرکت‌هایی با عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر، در مقایسه با شرکت‌های دیگر، شواهد کمتری از وجود اجتناب مالیاتی در آنها یافت گردید.

مواخار<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های ثبت شده در بریتانیا دارد. آن‌ها پیشنهاد کردند که اجتناب مالیاتی شاخصی از فرهنگ شرکتی است که با فقدان مسئولیت اجتماعی مرتبط است. رحمان و همکاران (۲۰۲۱) با بررسی نمونه‌ای از ۳۶۵ شرکت چینی ثبت شده در بورس‌های شانگهای و شنژن،

دریافتند که درگیر شدن در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رفتارهای اجتناب از مالیات را کاهش می‌دهد، به‌ویژه شرکت‌هایی که فعالانه در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌کنند.

### ۳. پیشینه پژوهش

رگورا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی هیئت مدیره در گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت» نشان دادند که با تکیه بر دیدگاه وابستگی به منابع، ارتباط مثبت و معناداری بین چندین مدیر به لحاظ سرمایه اجتماعی و سطح گزارشگری مسئولیت اجتماعی وجود دارد. به طور خاص، این رابطه هم از نظر اندازه هیئت مدیره و هم از نظر تنوع جنسیتی تعدیل می‌شود.

یوان و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «توانایی مدیرعامل و مسئولیت اجتماعی شرکت» دریافتند که مدیران عامل توانمندتر، نگرانی شغلی کمتری دارند، به گونه‌ای که این مدیران عامل تمایل بیشتری برای ادغام سرمایه‌گذاری‌های طولانی‌مدت در فعالیت‌های مفید دارند و به عملکرد بهتر مسئولیت اجتماعی شرکت منجر می‌شود.

دخلی و همکاران (۲۰۲۱)، در بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، با نقش میانجی مسئولیت اجتماعی شرکت نشان دادند که مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی می‌گذارد. هرچه نسبت مالکیت نهادی بیشتر باشد، احتمال استفاده از اجتناب مالیاتی کمتر است. همچنین نتایج آزمون سوبل<sup>۲</sup> در این مطالعه نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، بر تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات شرکت، نقش میانجی دارد.

مونه نگر و<sup>۳</sup> (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «فرار مالیاتی، مسئولیت اجتماعی شرکتی و حکمرانی ملی: یک مطالعه در سطح کشور» نشان دادند که ۹ معیار کلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، تعیین‌کننده مهم فرار مالیاتی در سطح کشور نیستند.

سلهی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، در بررسی نقش میانجی مسئولیت اجتماعی شرکت در رابطه بین حاکمیت و اجتناب مالیاتی: قانون عرفی انگلستان در مقابل قانون مدنی فرانسه، نشان دادند که

1. Reguera
2. Sobel
3. Montenegro
4. Salhi

مسئولیت اجتماعی شرکت به طور کامل رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های بریتانیا را واسطه (مسئولیت اجتماعی به عنوان یک عامل میانجی بین این دو متغیر عمل کرده و رابطه آنها را تسهیل کرده است) می‌کند. علاوه بر این، در شرکت‌های فرانسوی، مسئولیت اجتماعی شرکت تا حدی واسطه رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی است. این مطالعه به طور تجربی ثابت کرد که شرکت‌هایی با سطح مسئولیت اجتماعی بالاتر، موقعیت بهتری برای به دست آوردن شفافیت بیشتر، از طریق کاهش اجتناب مالیاتی دارند.

پرتیوی و همکاران (۲۰۲۱) نیز معتقدند که حضور زنان در هیئت مدیره شرکت، مشارکت‌ها و دیدگاه‌های متعددی را به همراه دارد که منجر به راهبردهای جایگزین مختلفی می‌شود، که می‌تواند توسط شرکت اتخاذ شود. همچنین زنان با سبک رهبری جامع خود، در حل مشکلات و تصمیم‌گیری، منعطف و با ملاحظه هستند.

سلیمان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی در یک کشور آفریقایی اظهار داشتند که هیئت مدیره‌های غیر همجنس، تهور مالیاتی را کاهش می‌دهد. آن‌ها تأثیر منفی معناداری نسبت زنان در اتاق هیئت مدیره بر تهور مالیاتی شرکت‌ها را نشان دادند. براساس این یافته‌ها، یک رابطه منفی بین تنوع جنسیتی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی شرکتی وجود دارد.

ناتالیا و همکاران (۲۰۲۱)، در مطالعه ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در اندونزی دریافتند که هرچه افشا در بررسی تأثیر اقدامات مسئولیت اجتماعی بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی کمتر است.

چویی و همکاران (۲۰۲۱)، در بررسی تأثیر اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب مالیاتی در فرانسه نشان دادند شرکت‌هایی که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت را انجام نمی‌دهند، نسبت به سایرین، اجتناب از مالیات تهاجمی‌تری دارند و این ایده را تأیید می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌تواند به عنوان جنبه‌ای از فرهنگ شرکتی انگاشته شود که بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های تجاری تأثیر می‌گذارد.

چن و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی تأثیر تنوع جنسیتی در هیئت مدیره را بر اجتناب از مالیات بررسی کردند. آنها دریافتند که تنوع جنسیتی در هیئت مدیره، رابطه منفی با اجتناب مالیاتی دارد؛ به این معنی که شرکت‌هایی با هیئت مدیره‌های دارای تنوع جنسیتی، در مورد خطرات بالقوه اعتبار

مربوط به استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی، محتاط‌تر هستند. این یافته‌ها بعداً توسط چن و همکاران (۲۰۱۹) مورد تأیید قرار گرفت. هدف آن‌ها بررسی این نکته بود که آیا تنوع جنسیتی در هیئت مدیره، بر استراتژی‌های ریسک شرکت تأثیر می‌گذارد یا خیر. برای این منظور، آنها از سه معیار برای اجتناب از مالیات استفاده کردند که عبارتند از: نرخ مؤثر مالیاتی، نرخ مؤثر فعلی و نرخ مؤثر نقدی. نتایج نشان داد که تنوع جنسیتی در هیئت مدیره، به طور منفی با اجتناب از مالیات مرتبط است. بنابراین، شرکت‌هایی با هیئت مدیره‌های متفاوت جنسیتی، در مورد خطرات بالقوه شهرت، مرتبط با استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی، محتاط‌تر هستند.

از دیدگاهی متفاوت، واکا و همکاران (۲۰۲۰)، در تحقیقی به بررسی تنوع جنسیتی هیئت مدیره‌ها، به عنوان یک متغیر احتمالی پرداختند که می‌تواند رابطه بین اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت را تعدیل نماید. آنها نشان دادند که حضور زنان در اتاق‌های هیئت مدیره، بر روند تصمیم‌گیری اتخاذ یک استراتژی مالیاتی تأثیر می‌گذارد. زنان در هیئت مدیره در فعالیتهای برنامه‌ریزی مالیاتی، به کار گرفته نمی‌شوند.

همچنین نتایج پژوهش پرتویی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱)، نشان داد نشان داد که مدیران زن می‌توانند از طریق تصمیم‌گیری و سیاست‌هایی که می‌تواند اجتناب مالیاتی را کاهش دهد، به شرکت‌ها سود برسانند. از آنجایی که مدیران زن از استانداردهای اخلاقی و اخلاق بالاتری برخوردارند، دقت بیشتری داشته و تمایل دارند از ریسک در تصمیم‌گیری اجتناب کنند، و تمایلی به شرکت در فرار مالیاتی ندارند.

جربویی و همکاران (۲۰۲۰)، در تحقیقی به تجزیه و تحلیل رابطه غیر مستقیم بین تنوع جنسیتی در هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج نشان داد که سطح اجتناب از مالیات، با افزایش سطح حضور زنان در هیئت مدیره، کاهش می‌یابد. همچنین افزایش نظارت و منابع ارائه شده توسط مدیران زن می‌تواند به غلبه بر مشکلات نمایندگی کمک کند؛ زیرا زنان تمایل به داشتن ویژگی‌های اجتماعی بهتری مانند مهربان بودن، کمک‌کننده بودن و حساس بودن دارند.

افضلی و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی به بررسی تاثیر مادی‌گرایی هیأت مدیره بر مسئولیت اجتماعی شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مادی‌گرایی هیأت مدیره، بر مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معناداری دارد. مادی‌گرایی هیأت مدیره بر مسئولیت اقتصادی شرکت تأثیرگذار

نیست. مادی‌گرایی هیأت مدیره بر مسئولیت قانونی شرکت تاثیر منفی و معناداری دارد. مادی‌گرایی هیأت مدیره بر مسئولیت اخلاقی شرکت تاثیرگذار است. مادی‌گرایی هیأت مدیره بر مسئولیت خیرخواهانه (بشردوستانه) شرکت تاثیر منفی و معناداری دارد.

نظری ابریکوه و همکاران (۱۴۰۱)، در بررسی رابطه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی اعضای هیأت مدیره و عملکرد مالی شرکت‌ها، نشان دادند که تعداد اعضای متخصص هیأت مدیره، با بازده دارایی، دارای رابطه مثبت و معناداری است، در حالی که تعداد اعضای متخصص هیأت مدیره، تعداد اعضای دارای تجربه (در صنعت)، سرمایه اجتماعی خارجی و سرمایه اجتماعی داخلی، رابطه مثبت و معناداری با کیوتوبین دارند.

پتیه نوئی و همکاران (۱۴۰۰)، در بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی: آزمون نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی و نمایندگی با توجه به نظریه ذینفعان نشان دادند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تشدید می‌کند.

فخری و همکاران (۱۴۰۰)، در بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی به این نتیجه رسیدند که میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین توانایی مدیریت، رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حسینی و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که حضور زنان در هیأت مدیره، باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد؛ زیرا آن‌ها با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود، احتمالاً تصمیمات معقول‌تر و کم‌خطرتری از مردان را می‌پذیرند و این ممکن است در تصمیمات مالیاتی شرکت‌ها برای صرف زمان بیشتر به مالیات و استفاده از معافیت‌های مالیاتی ظاهر شود.

الهیاری و همکاران (۱۳۹۹)، در بررسی اثربخشی ابعاد حاکمیت شرکتی بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عدالت مالیاتی نشان دادند که تمامی متغیرهای حاکمیت شرکتی از جمله دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بر رابطه مسئولیت‌های اجتماعی و عدالت مالیاتی است. بدین معنی که، هرچه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بهتر اعمال و اجرا شود، افشای گزارشات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز بهبود می‌یابد و می‌توان انتظار داشت، بار مالیاتی به‌صورت عادلانه‌تری بین مالیات‌دهندگان

توزیع خواهد شد.

قرنچیک و همکاران (۱۳۹۸)، در بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، با نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی، و تفاوت دفتری مالیات، رابطه معناداری وجود دارد. اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات، رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این پژوهش وجود رابطه معنادار بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار داد.

#### ۴. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:  
**فرضیه اول:** بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.  
**فرضیه سوم:** مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

#### ۵. روش پژوهش

منبع جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز این پژوهش، صورت‌های مالی شرکت‌ها و گزارش حسابرسان مستقل است. داده‌ها از طریق بانک‌های اطلاعاتی (نرم‌افزار ره‌آورد نوین) و مراجعه به سایت‌های اطلاعاتی جمع‌آوری شدند. داده‌های جمع‌آوری شده، با استفاده از نرم‌افزار اکسل و پس از طبقه‌بندی لازم براساس متغیرهای مورد بررسی، با کمک نرم‌افزار Eviews 14 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

#### ۱-۵. جامعه آماری پژوهش

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. جامعه آماری، با پنج شرط زیر مورد تعدیل قرار گرفت. شرکت‌هایی در جامعه آماری قرار گرفتند که شرایط زیر در مورد آنها صدق کند:

(۱) سال مالی آنها به پایان اسفند سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰، ختم شود،

(۲) بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ تغییر سال مالی نداشته باشند،

(۳) اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد،

۴) جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند. با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۱۰۵ شرکت در دوره زمانی پژوهش، به عنوان نمونه انتخاب شدند.

## ۲-۵. اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

### ۲-۵-۱. متغیر وابسته

**اجتناب مالیاتی:**<sup>۱</sup> هانلون و هترمن (۲۰۱۰)، بیان کردند که تعریف و اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات، مشکل است. در این پژوهش به پیروی از دیرنگ و همکاران (۲۰۰۹)، از نرخ موثر مالیاتی<sup>۲</sup> استفاده شده است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETRit = \frac{\text{Total Tax Expeneit}}{\text{Pre Tax Incoemeit}}$$

در رابطه فوق: ETRit نرخ موثر مالیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$ ، Total Tax Expeneit کل هزینه مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$ ، و Pre Tax Incoemeit، بیان‌کننده سود قبل از مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$  است. از آنجا که هرچه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود.

### ۲-۵-۲. متغیرهای مستقل

**تنوع جنسیتی در هیأت مدیره:**<sup>۳</sup> متغیر مستقل این پژوهش، تنوع جنسیتی است. مطالعه چن و همکاران (۲۰۱۹)، نشان داد که حضور بیشتر زنان در هیأت مدیره شرکت، باعث کاهش ضعف در کنترل داخلی می‌شود. در این پژوهش به پیروی از پژوهش کامارودیان و همکاران (۲۰۲۱)، برای سنجش این متغیر، از نسبت مدیران زن در هیئت مدیره، به کل اعضای هیئت مدیره شرکت استفاده شده است.

### ۲-۵-۳. متغیر تعدیل‌گر

**مسئولیت‌پذیری اجتماعی:**<sup>۴</sup> در پژوهش حاضر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، با استفاده از معیارهای ارائه شده در پژوهش فخاری و همکاران (۱۳۹۵)، اندازه‌گیری شده است. بنابراین، در

1. ETR
2. ETRY
3. BGD
4. CSR



پژوهش حاضر، چک لیستی شامل ۳۱ داده زیست محیطی و اجتماعی (جدول ۱) که انتظار می رود به صورت داوطلبانه یا اجباری توسط شرکت ها در قالب گزارش های سالانه نظیر صورت های مالی، مجامع، مدیریت و... افشاء شود، تهیه و در ۶ گروه طبقه بندی شده است. برای اندازه گیری مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت، اگر هر یک از اطلاعات موجود افشاء شده باشد، عدد (۱) و در غیر این صورت، (۰) لحاظ شده است و در انتها مجموع ابعاد عملکرد اجتماعی و زیست محیطی تقسیم بر عدد ۳۱ شده، و به عنوان نمره افشاء عملکرد اجتماعی و زیست محیطی شرکت تلقی و گزارش می شوند.

جدول ۱- معیارهای اندازه گیری مسئولیت پذیری اجتماعی

ردیف	ابعاد مسئولیت اجتماعی	معیار اندازه گیری
۱	زیست محیطی	کنترل آلودگی؛ جلوگیری از خسارات زیست محیطی؛ بازیافت یا جلوگیری از ضایعات؛ حفظ منابع طبیعی؛ پژوهش و توسعه؛ سیاست زیست محیطی
۲	محصولات و خدمات	توسعه محصول / سهم بازار؛ کیفیت محصول؛ توقف تولید و سایر محصولات و خدمات
۳	منابع انسانی	تعداد کارکنان؛ حقوق ماهانه/ پاداش نقدی و مزایا؛ سهام تحت تملک کارکنان؛ بازنشستگی و مزایای پایان خدمت؛ سلامتی و ایمنی در محیط کار (OHSAS ۱۸۰۰۱)؛ برنامه های آموزشی و توسعه کارکنان؛ برنامه های ورزشی و رفاهی؛ وام یا بیمه کارکنان؛ روحیه و ارتباطات کارکنان
۴	مشتریان	سلامتی مشتریان؛ شکایات/ رضایت مندی مشتریان؛ سیاست پرداخت دیرتر برای مشتریان خاص؛ تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش؛ پاسخ گویی به نیاز مشتریان و سایر مشتریان
۵	اجتماعی	سرمایه گذاری اجتماعی؛ حمایت از فعالیت های جامعه؛ هدایا و خدمات خیریه؛ اقدامات قانونی/دعاوی قضاوتی؛ فعالیت های مذهبی/ فرهنگی
۶	انرژی	حفظ و صرفه جویی در انرژی؛ توسعه و اکتشاف منابع جدید؛ استفاده از منابع جدید

#### ۴-۲-۵. متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: <sup>۱</sup> اندازه شرکت با لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت اندازه گیری شده است (برگر و همکاران، ۱۹۹۶). اندازه شرکت ها عامل مهمی در گزارشگری مسئولیت اجتماعی به دلیل منابع مالی یا فشارهای عمومی است.

اهرم مالی: <sup>۲</sup> از طریق جمع بدهی بلندمدت و بدهی جاری، تقسیم بر جمع دارایی ها، به دست می آید. سطح بالای بدهی، به ایجاد مشکلات نمایندگی منجر می شود. بنابراین، بین اهرم و اجتناب

1. Size
2. Lever

مالیاتی، رابطه مثبتی پیش‌بینی می‌شود (مجید و همکاران، ۲۰۱۹؛ کینگ و همکاران، ۲۰۱۹).  
**دوگانگی وظیفه مدیرعامل:**<sup>۱</sup> یک متغیر مجازی است که اگر مدیرعامل و رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره یک شخص باشند، ارزش (۱) و در غیر این صورت، ارزش (۰) می‌گیرد. مطالعات قبلی نشان داده است مدیران عاملی که رئیس هیئت مدیره نیز هستند، تمایل دارند تأثیر بیشتری بر تصمیمات مالی شرکت داشته باشند (شیخ و همکاران، ۲۰۱۹).

**اندازه هیئت مدیره:**<sup>۲</sup> یافته‌های پژوهش جانستون و همکاران (۲۰۱۱)، نشان داد که کنترل‌های داخلی با ارتقاء مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های مختلف مدیریت، تقویت می‌شود. در این پژوهش تعداد اعضای هیئت مدیره بیانگر اندازه هیئت مدیره است (ابوت و همکاران، ۲۰۱۲).  
**فرصت‌های رشد:**<sup>۳</sup> نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می‌باشد. می‌توان انتظار داشت به هر اندازه که فرصت‌های رشد شرکت‌ها بیشتر باشد، فعالان بازار سرمایه به آنها توجه بیشتری خواهند داشت (شیخ و همکاران ۲۰۱۹).

**بازده دارایی‌ها:**<sup>۴</sup> به‌عنوان شاخصی از نیاز شرکت، به مدیریت مالیات کنترل شده است؛ زیرا یکی از دلایل مدیریت مالیات از شرکت‌ها، بهبود عملکرد است. بنابراین، بین بازده دارایی‌ها و اجتناب مالیاتی، ارتباط مثبتی پیش‌بینی می‌شود. این متغیر نیز با تقسیم سود خالص بر مجموع دارایی‌های پایان سال، اندازه‌گیری شده است (باباجانی و همکاران، ۱۳۸۶).

**سپر مالیاتی بدون بدهی:**<sup>۵</sup> عبارت است از نسبت استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود به کل دارایی‌ها. مطالعات قبلی هم رابطه منفی و هم رابطه مثبت بین سپر مالیاتی بدون بدهی و اهرم شرکت را نشان داده‌اند.

### ۳-۵. الگوی آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از الگوی (۱) به شرح ذیل استفاده شده است (باین و همکاران، ۲۰۱۲):

$$CSR_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 BGD_{it} + \gamma_2 SIZE_{it} + \gamma_3 LEV_{it} + \gamma_4 DUALITY_{it} + \gamma_5 BIGN_{it} + \gamma_6 MTB_{it} + \gamma_7 ROA_{it} + \gamma_8 NDTS_{it} + \varepsilon_{it}$$

1. Duality
2. BIGN
3. MTB
4. ROA
5. Non-debt tax shield

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، از الگوی (۳) به شرح ذیل استفاده شده است (باین و همکاران، ۲۰۱۲).

$$ETR_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 BGD_{it} + \gamma_2 SIZE_{it} + \gamma_3 LEV_{it} + \gamma_4 DUALITY_{it} + \gamma_5 BIGN_{it} + \gamma_6 MTB_{it} + \gamma_7 ROA_{it} + \gamma_8 NDTs_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش، از الگوی (۱) به شرح ذیل استفاده شده است (باین و همکاران، ۲۰۱۲).

$$ETR_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 BGD_{it} + \gamma_2 CSR_{it} + \gamma_3 BGD_{it} * CSR_{it} + \gamma_4 SIZE_{it} + \gamma_5 LEV_{it} + \gamma_6 DUALITY_{it} + \gamma_7 BIGN_{it} + \gamma_8 MTB_{it} + \gamma_9 ROA_{it} + \gamma_{10} NDTs_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل‌های فوق:  $CSR_{it}$ : مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$BGD_{it}$ : تنوع جنسیتی در هیأت مدیره شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$SIZE_{it}$ : اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$LEV_{it}$ : اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$DUALITY_{it}$ : دوگانگی وظیفه مدیرعامل شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$BIGN_{it}$ : اندازه هیئت مدیره شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$MTB_{it}$ : فرصت‌های رشد شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$ROA_{it}$ : بازده دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$NDTs_{it}$ : سپر مالیاتی بدون بدهی شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$ETR_{it}$ : اجتناب مالیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$ ,

$\varepsilon_{it}$ : جزء خطای مدل رگرسیون است.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. آمار توصیفی

در این بخش به ارائه آمار توصیفی پرداخته شده است. بدین منظور ابتدا با استفاده از نرم‌افزار استاتا آمار توصیفی تهیه شد که مشاهده ضریب چولگی و کشیدگی متغیرها بیانگر وجود داده‌های پرت در برخی متغیرها بوده. برای رفع این مشکل که امکان ایجاد تورش در نتایج را افزایش می‌دهد، نسبت به ترمیم داده‌های پرت اقدام شد. نتایج آمار توصیفی پژوهش به شرح جدول شماره (۳) و (۲) است.

جدول ۲- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی
اجتناب مالیاتی	ETR	۰/۲۳۸	۰/۵۳۵	۰/۰۰۰	۱/۴۴۶	۲/۴۶۸	۸/۲۸۷
تنوع جنسیتی هیأت مدیره	BGD	۰/۱۷۲	۰/۱۴۵	۰/۰۱۲	۰/۵۶۲	۱/۲۹۱	۴/۰۲۳
اندازه شرکت	SIZE	۶/۳۳۷	۰/۶۶۵	۵/۱۴۴	۷/۸۴۰	۰/۴۵۹	۲/۹۴۷
اهرم مالی	LEV	۰/۵۴۵	۰/۲۰۵	۰/۱۷۱	۰/۹۰۷	-۰/۱۰۲	۲/۱۸۰
اندازه هیأت مدیره	BIGN	۵/۰۱۹	۰/۲۵۷	۳	۹	۷/۵۸۷	۱۱۰/۳۷۳
فرصت رشد	MTB	۴/۸۶۱	۴/۵۹۷	۰/۸۶۴	۱۸/۸۸۵	۱/۸۳۷	۵/۷۴۸
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۰۳	۰/۱۱۳	-۰/۱۰۷	۰/۳۴۰	۰/۲۶۵	۲/۶۶۰
سپهر مالیاتی بدون بدهی	NDTS	۰/۰۷۰	۰/۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۶۷۴	۲/۹۸۷	۱۰/۶۸۰

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای کیفی

نام متغیر	نماد	تعداد		درصد		کل مشاهدات
		وجود	عدم وجود	وجود	عدم وجود	
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	CSR	۷۳۶	۱۰۴	۸۷	۱۳	۸۴۰
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	DUALITY	۲۵۴	۵۸۶	۳۰	۷۰	۸۴۰

میانگین اجتناب مالیاتی در نمونه مورد بررسی ۰/۲۳۸ بوده و در کمترین مقدار به ۰/۰۰۰ و در بیشترین میزان به ۱/۴۴۶ رسیده است.

تنوع جنسیتی هیأت مدیره نیز ۰/۱۷۲ بوده که بیانگر حضور کم‌رنگ بانوان در ترکیب هیأت مدیره شرکت‌های مورد بررسی بوده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز که یک متغیر موهومی بوده است، در ۸۷ درصد شرکت‌ها (۷۳۶ سال- شرکت) مشاهده شد. بیشترین انحراف معیار از میانگین، به متغیر فرصت رشد تعلق داشته و بیشترین چولگی و کشیدگی نیز به اندازه هیأت مدیره اختصاص دارد.

## ۲-۶. آزمون‌های مربوط به فروض کلاسیک رگرسیون

پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش ضروری است تا فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شود. در این پژوهش از آزمون میانگین عامل تورم واریانس، برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی استفاده شده است. همچنین بدلیل اینکه براساس قضیه حد مرکزی، در صورتی که تعداد مشاهدات بیش از ۳۰ مشاهده باشد، نیازی به نرمال بودن توزیع متغیرها نیست، بنابراین، با توجه به اینکه برای هر متغیر ۸۴۰ مشاهده وجود داشته است، نرمال نبودن توزیع متغیرها خللی در نتایج بوجود نخواهد

آورد، هرچند که با استفاده از آزمون شاپیرو ویلک<sup>۱</sup> به بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها پرداخته شده و نتایج در پیوست آماری آمده است.

### ۱-۲-۶. آزمون تشخیص هم خطی

در جدول شماره (۴)، نتایج حاصل از آزمون تشخیص هم خطی نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون تشخیص هم خطی

نتیجه	مدل سوم	مدل دوم	متغیرهای توضیحی
	VIF	VIF	
هم خطی وجود ندارد	۱/۱۱	۱/۱۱	تنوع جنسیتی هیأت مدیره
هم خطی وجود ندارد	۱/۰۴	۱/۰۲	مسئولیت پذیری اجتماعی
هم خطی وجود ندارد	۱/۱۸	۱/۱۶	اندازه شرکت
هم خطی وجود ندارد	۱/۰۵	۱/۰۵	اهرم مالی
هم خطی وجود ندارد	۱/۰۲	۱/۰۲	دوگانگی وظیفه مدیرعامل
هم خطی وجود ندارد	۱/۰۱	۱/۰۱	اندازه هیات مدیره
هم خطی وجود ندارد	۱/۰۲	۱/۰۲	فرصت رشد
هم خطی وجود ندارد	۱/۱۳	۱/۱۲	بازده دارایی‌ها
هم خطی وجود ندارد	۱/۱۴	۱/۱۴	سپهر مالیاتی بدون بدهی
هم خطی وجود ندارد	۱/۰۸	۱/۰۸	میانگین عامل تورم واریانس

نتایج گزارش شده در جدول (۴) بیانگر نبود هم خطی شدید بین متغیرهای توضیحی است. بنابراین، فرض بر وجود هم خطی شدید در بین متغیرهای مدل‌های پژوهش است. بدین معنی که همبستگی بین متغیرهای مستقل کامل است، با توجه به اینکه متغیرهای توضیحی مدل اول و دوم پژوهش یکسان است، ضرورتی برای بررسی هم خطی در بین متغیرهای توضیحی مدل دوم وجود ندارد.

### ۳-۶. انتخاب الگوی مناسب برای آزمون فرضیه‌ها

با توجه به اینکه متغیر وابسته مدل اول پژوهش، یک متغیر موهومی می‌باشد، بنابراین، با استفاده از روش رگرسیون لججیت باینری برآورد خواهد شد. همچنین برای مدل‌های دوم و سوم پژوهش جهت انتخاب بهترین مدل بین داده‌های تلفیقی و ترکیبی، با روش اثرات ثابت، از آزمون چاو (F تست) و در

نهایت جهت انتخاب بهترین مدل بین داده‌های ترکیبی، با روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد که نتایج این آزمون‌ها برای هر دو مدل در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون چاو و هاسمن- انتخاب الگوی مناسب برای آزمون فرضیه‌ها

الگوی انتخابی	آزمون				مدل
	هاسمن		چاو		
	معناداری	آماره	معناداری	آماره	
اثرات ثابت	۰/۰۲۰۹	۱۸/۰۵	۰/۰۰۰۱	۴/۱۲	دوم
اثرات ثابت	۰/۰۱۲۳	۲۱/۰۷	۰/۰۰۰۱	۳/۹۷	سوم

براساس نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن، در هر دو مدل پژوهش، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، الگوی انتخابی برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش، اثرات ثابت خواهد بود.

#### ۴-۶. آزمون ناهمسانی واریانس‌ها

نتایج این آزمون در جدول شماره (۶) گزارش شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	آزمون والد تعدیل شده		مدل
	معناداری	آماره	
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰۰	۲۲۸۳/۰۸	دوم
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰۰	۲۹۴۳/۰۹	سوم

نتایج گزارش شده در جدول (۶)، نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون والد تعدیل شده در مدل‌های دوم و سوم پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ بوده که حاکی از وجود ناهمسانی واریانس است. برای رفع این مشکل، از مدل رگرسیونی حداقل مربعات تعمیم یافته GLS، دستور Xt gls استفاده گردید و مشکل ناهمسانی واریانس‌ها رفع شد.

#### ۵-۶. آزمون عدم خودهمبستگی سریالی باقیمانده‌ها

در پژوهش حاضر به منظور بررسی خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها، از آزمون والد ریچ استفاده شد.

جدول ۷- نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی والد ریچ

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	مدل
وجود خودهمبستگی سریالی	۰/۰۰۰۰	۲۲/۹۰۶	دوم
وجود خودهمبستگی سریالی	۰/۰۰۰۰	۲۲/۸۵۵	سوم

نتایج گزارش شده در جدول (۷) نشان داد که سطح معناداری آزمون والد ریچ در هر دو مدل پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین، خوهمبستگی سریالی در بین باقیمانده‌های مدل وجود دارد. برای رفع این مشکل، مدل پژوهش با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول، برآورد شد.

#### ۶-۶. آزمون همبستگی مقطعی باقیمانده‌ها

در این پژوهش برای بررسی وابستگی مقطعی بین باقیمانده‌ها، از آزمون پسران استفاده شده است که در جدول (۸) نتایج حاصل از آزمون پسران نشان داده شده است.

جدول ۸- نتایج آزمون همبستگی مقطعی بین باقیمانده‌ها

مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل دوم	۱۱۷/۱۷۶	۰/۰۰۰۰	وجود همبستگی مقطعی
مدل سوم	۱۰۶/۲۶۹	۰/۰۰۰۰	وجود همبستگی مقطعی

یافته‌های گزارش شده از آزمون پسران در جدول (۸)، حاکی از آن است که سطح معناداری این آزمون برای هر دو مدل پژوهش، کمتر از ۰/۰۵ بوده که بیانگر وجود همبستگی مقطعی بین باقیمانده‌ها است. برای رفع این مشکل از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شد.

#### ۶-۷. آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش

##### ۶-۷-۱. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول: بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

روش آزمون: رگرسیون لاجیت باینری					
$CSR_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 BGD_{it} + \gamma_2 SIZE_{it} + \gamma_3 LEV_{it} + \gamma_4 DUALITY_{it} + \gamma_5 BIGN_{it} + \gamma_6 MTB_{it} + \gamma_7 ROA_{it} + \gamma_8 NDS_{it} + \epsilon_{it}$					
نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
تنوع جنسیتی هیأت مدیره	مستقل	۲/۶۱۲	۰/۹۷۰	۲/۶۹	۰/۰۰۷
اندازه شرکت	کنترلی	۰/۸۲۳	۰/۲۰۳	۴/۰۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	کنترلی	-۰/۱۰۸	۰/۵۵۱	-۰/۲۰	۰/۸۴۴
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	کنترلی	-۰/۴۷۴	۰/۲۲۷	-۲/۰۸	۰/۰۳۷
اندازه هیأت مدیره	کنترلی	-۰/۱۸۶	۰/۳۳۵	-۰/۵۶	۰/۵۷۷
فرصت رشد	کنترلی	۰/۰۵۷	۰/۰۲۶	۲/۱۴	۰/۰۳۳



نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
بازده دارایی‌ها	کنترلی	-۲/۷۵۸	۱/۰۳۲	-۲/۶۷	۰/۰۰۸
سپهر مالیاتی بدون بدهی	کنترلی	-۰/۰۸۲	۰/۶۳۹	-۰/۱۳	۰/۸۹۵
ضریب ثابت		-۲/۰۲۸	۲/۱۸۴	-۰/۹۳	۰/۳۵۳
ضریب مک فادن: ۰/۳۵۲۰ ضریب آماره LR: ۳۲/۶۳ سطح معناداری آماره LR: ۰/۰۰۰۱					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۹) که نتیجه اجرای آزمون لاجیت باینری است، ضریب تاثیر تنوع جنسیتی هیأت مدیره برابر با ۲/۶۱۲ و سطح معناداری آماره آن برابر با ۰/۰۰۷ بوده است که بیانگر تاثیر مثبت و معنادار تنوع جنسیتی هیأت مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد نشده است. همچنین نتایج آزمون LR که به بررسی معناداری کل مدل می‌پردازد، بیانگر این است که کل مدل از معناداری خوبی برخوردار است؛ زیرا سطح معناداری آماره این آزمون برابر با ۰/۰۰۱ بوده که از ۰/۰۵ کمتر است. ضریب مک فادن نیز نشان می‌دهد که متغیرهای استفاده شده در مدل می‌توانند ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش را پیش‌بینی نمایند.

#### ۲-۷-۶. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

**فرضیه دوم:** بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معناداری وجود

دارد.

جدول ۱۰- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

روش آزمون: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول					
$ETR_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 BGD_{it} + \gamma_2 SIZE_{it} + \gamma_3 LEV_{it} + \gamma_4 DUALITY_{it} + \gamma_5 BIGN_{it} + \gamma_6 MTB_{it} + \gamma_7 ROA_{it} + \gamma_8 NDS_{it} + \epsilon_{it}$					
نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
تنوع جنسیتی هیأت مدیره	مستقل	-۰/۳۳۰	۰/۰۶۹	-۳/۳۲	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۲۱	۰/۰۲۵	-۰/۸۲	۰/۴۱۵
اهرم مالی	کنترلی	-۰/۰۹۳	۰/۰۳۷	-۲/۴۹	۰/۰۱۳
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	کنترلی	۰/۰۲۸	۰/۰۳۰	۰/۹۴	۰/۳۴۹
اندازه هیأت مدیره	کنترلی	-۰/۰۳۷	۰/۰۵۳	-۰/۷۰	۰/۴۸۳
فرصت رشد	کنترلی	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۷	-۴/۹۰	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	کنترلی	۰/۸۴۵	۰/۱۲۵	۶/۷۲	۰/۰۰۰
سپهر مالیاتی بدون بدهی	کنترلی	-۰/۰۲۸	۰/۰۷۷	-۰/۳۷	۰/۷۱۳
ضریب ثابت		۰/۶۵۹	۰/۳۲۳	۲/۰۴	۰/۰۴۱
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۴۰۲۵ ضریب آماره والد: ۵۱/۰۵ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۰					

براساس نتایج ارائه شده در جدول (۱۰)، که نتیجه اجرای آزمون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول است، ضریب تاثیر تنوع جنسیتی هیأت مدیره برابر با (۰/۲۳۰-) و سطح معناداری آماره آن برابر با ۰/۰۰۱ بوده است که بیانگر تاثیر منفی و معنادار تنوع جنسیتی هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد نشده است. همچنین نتایج آزمون والد که به بررسی معناداری کل مدل می‌پردازد، بیانگر این است که کل مدل از معناداری خوبی برخوردار است؛ زیرا سطح معناداری آماره این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۰ بوده که از ۰/۰۵ کمتر است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای استفاده شده در مدل می‌توانند ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش را پیش‌بینی نمایند.

### ۳-۷-۶. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش

**فرضیه سوم:** مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

جدول ۱۱- نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

روش آزمون: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول					
$ETR_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 BGD_{it} + \gamma_2 CSR_{it} + \gamma_3 BGD_{it} * CSR_{it} + \gamma_4 SIZE_{it} + \gamma_5 LEV_{it} + \gamma_6 DUALITY_{it} + \gamma_7 BIGN_{it} + \gamma_8 MTB_{it} + \gamma_9 ROA_{it} + \gamma_{10} NDT_{it} + \epsilon_{it}$					
نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
تنوع جنسیتی هیأت مدیره	مستقل	-۰/۶۳۷	۰/۱۴۵	-۴/۳۸	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تعدیلگر	-۰/۰۸۲	۰/۰۳۷	-۲/۲۱	۰/۰۲۷
تنوع جنسیتی هیأت مدیره × مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تعاملی	-۱/۶۲۱	۰/۵۵۷	-۲/۹۱	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۲۰	۰/۰۲۵	-۰/۸۱	۰/۴۱۸
اهرم مالی	کنترلی	-۰/۰۹۷	۰/۰۴۸	-۲/۰۲	۰/۰۴۴
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	کنترلی	۰/۰۳۰	۰/۰۳۰	۱/۰۱	۰/۳۱۴
اندازه هیأت مدیره	کنترلی	-۰/۰۴۲	۰/۰۵۲	-۰/۸۱	۰/۴۱۶
فرصت رشد	کنترلی	-۰/۰۹۶	۰/۰۳۰	-۳/۱۸	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	کنترلی	-۰/۸۸۷	۰/۱۲۵	-۷/۰۶	۰/۰۰۰
سپهر مالیاتی بدون بدهی	کنترلی	-۰/۰۳۲	۰/۰۷۶	-۰/۴۳	۰/۶۷۰
ضریب ثابت		۰/۶۹۳	۰/۳۱۹	۲/۱۷	۰/۰۳۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۷۸۶    ضریب آماره والد: ۶۰/۹۲    سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۰					

براساس نتایج ارائه شده در جدول (۱۱)، که نتیجه اجرای آزمون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول است، ضریب تاثیر تنوع جنسیتی هیأت مدیره برابر با  $(-۰/۶۳۷)$  و سطح معناداری آماره آن برابر با  $۰/۰۰۰$  بوده که بیانگر تاثیر منفی و معنادار تنوع جنسیتی هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. از سویی ضریب تاثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر متغیر وابسته برابر با  $(-۰/۰۸۲)$  و سطح معناداری آن برابر با  $۰/۰۲۷$  است که نشان می‌دهد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اجتناب مالیاتی تاثیر منفی و معناداری داشته است. همچنین ضریب تاثیر متغیر تعاملی (تنوع جنسیتی هیأت مدیره  $\times$  مسئولیت‌پذیری اجتماعی) برابر  $(-۱/۶۲۱)$  و سطح معناداری آن  $۰/۰۰۴$  بوده که نشان‌دهنده تایید نقش تعدیل‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تاثیر تنوع جنسیتی هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. از سویی ضریب تاثیر تنوع جنسیتی هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی در مدل دوم پژوهش برابر با  $(-۰/۲۳۰)$  بوده که در مدل سوم و با ورود مسئولیت‌پذیری اجتماعی به مدل، ضریب تاثیر این متغیر به  $(-۰/۶۳۷)$  افزایش یافته است. بنابراین، با حضور مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تاثیر تنوع جنسیتی هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی تقویت شده است. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش نیز رد نشد. همچنین نتایج آزمون والد که به بررسی معناداری کل مدل می‌پردازد، بیانگر این است که کل مدل از معناداری خوبی برخوردار است؛ زیرا سطح معناداری آماره این آزمون برابر با  $۰/۰۰۰۰$  بوده که از  $۰/۰۵$  کمتر است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای استفاده شده در مدل می‌توانند بیش از ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش را پیش‌بینی نمایند.

## ۷. نتیجه‌گیری

اجتناب از پرداخت مالیات، همواره یک استراتژی‌های مهم برای شرکت محسوب شده که توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. با در نظر گرفتن فرض دئسای<sup>۱</sup> که مالیات را یک مسئولیت اجتناب‌ناپذیر می‌داند، تصمیمات مالی و عملیاتی که دارای اثر مالیاتی متفاوتی هستند و از هم جدا در نظر گرفته می‌شوند، بررسی این مهم که آیا مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب اجتناب مالیاتی در جهت استفاده بهینه از منابع بالقوه موجود می‌شود، ضروری است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر ارائه شواهدی درباره ارتباط بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره

و اجتناب مالیاتی شرکت و چگونگی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر راهبردهای صرفه‌جویی مالیاتی بود. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، نتایج نشان دادند که شرکت‌های دارای تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، تمایل چندانی به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ندارند و اینگونه شرکت‌ها همواره به دنبال حفظ وجهه خود در جامعه هستند؛ زیرا وجهه مثبت باعث افزایش ارزش سهامداران شرکت می‌شود. نتایج این فرضیه با پژوهش دخلی و همکاران (۲۰۲۱d)، همسو است. همچنین، به دلیل وجود هنجارهای اخلاقی حاکم بر محیط این شرکت‌ها، مدیران به تعهدهای خود در مقابل جامعه پایبند بوده‌اند و رفتارهای صادقانه‌تری از خود نشان می‌دهند. بنابراین، مدیران این شرکت‌ها انگیزه کمتری برای اعمال رفتار فرصت‌طلبانه و در نتیجه، اجتناب مالیاتی دارند. بنابراین، نتایج پژوهش بیان‌کننده اهمیت ذینفعان (جامعه، رسانه‌های اجتماعی و غیره) در تضمین بقای شرکت است. همچنین، این نتایج مؤید اعتقاد به ضرورت وجود توازن بین مسائل اجتماعی و اقتصادی است. مطابق با آنچه چن و همکاران (۲۰۱۰)، لاندی و همکاران (۲۰۱۳)، اظهار داشتند، صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از اجتناب مالیاتی، با افزایش عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت کاهش می‌یابد؛ زیرا شرکت‌ها از انجام هرگونه فعالیتی که اثر نامطلوبی بر وجهه آنها داشته باشد، خودداری می‌کنند. بنابراین، نتایج به‌دست آمده، با یافته‌های این پژوهشگران سازگار است. در فرضیه سوم پژوهش، اثر تعدیلی مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی شد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که مطابق با نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی، مسئولیت اجتماعی، رابطه منفی بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را تشدید می‌کند؛ یعنی شرکت‌های با مسئولیت‌پذیری بیشتر، تعهد بیشتری نسبت به تنوع جنسیتی در هیأت مدیره نشان می‌دهند و نسبت به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی حساس بوده و واکنش نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین تنوع جنسیتی در هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی اثرگذار است و رابطه منفی بین آنها را تشدید می‌کند. نتایج این فرضیه با پژوهش لویز-گونزالز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، همسو می‌باشد.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش نبود استاندارد واحد و یکپارچه جهت سنجش افشای مسئولیت اجتماعی بود. از این رو، با توجه به تنوع چک‌لیست‌ها و ابعاد و شاخص‌های پیشنهادی جهت سنجش افشای مسئولیت اجتماعی، به تبع، امتیاز افشای مسئولیت اجتماعی توسط پژوهشگران مختلف یکسان نیست. همچنین استفاده از معیارهای متفاوت جهت سنجش اجتناب مالیاتی قابلیت اتکاء بودن و تعمیم‌پذیری نتایج را محدود کرده است.

با توجه به یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش، به مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود با وجود تأثیر تنوع جنسیتی در هیأت مدیره، به منظور جلوگیری از اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، در تصمیم‌گیری‌های خود به تنوع جنسیتی در هیأت مدیره توجه بیشتری کنند. به حساب‌رسان مالیاتی توصیه می‌شود به شرکت‌هایی که فعالیت‌های غیرمسئولانه اجتماعی دارند، توجه بیشتری نشان دهند؛ زیرا امکان فعالیت‌های اجتناب مالیاتی در آن شرکت‌ها بیشتر از دیگران است. همچنین، مدیران شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی بیشتری داشته‌اند، می‌توانند با ارائه صورت‌های مالی شفاف و با پررنگ نشان دادن اینکه در برابر سهامداران احساس مسئولیت بیشتری دارند، برای جذب سرمایه بیشتر اقدام کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، با توجه به نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی مطالعه شود. در نهایت با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و در نتیجه تأثیر آن بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران، به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود به منظور ارزیابی دقیق کیفیت افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از طریق گزارش‌های سالانه شرکت‌ها و سایر منابع اطلاعاتی، اطلاعات جامعی در خصوص این عوامل کسب نمایند و براساس اطلاعات مذکور، کیفیت افشای مسئولیت اجتماعی شرکت را ارزیابی و آن را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ نمایند.

## منابع

- اسماعیل پور، رضا؛ رضائی پشته‌نونی، یاسر؛ غلامرضایپور، محمد (۱۳۹۸). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و ضعف کنترل‌های داخلی: آزمون تجربی نظریه ذینفعان و علامت‌دهی. *حسابداری/ارزشی و رفتاری*، ۴(۸)، ص ۳۱۸-۳۳۸.
- افضلی، آزاده؛ اشرفی، مجید؛ نادریان، ارش؛ گرگانلی دوجی، جمادوردی (۱۴۰۲). بررسی تاثیر مادی‌گرایی هیأت مدیره بر مسئولیت اجتماعی شرکت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۳(۵۰)، ص ۱۸۷-۲۰۲.
- الهیاری، عباس؛ پورزمانی، زهرا؛ تری، تقی (۱۳۹۹). اثربخشی ابعاد حاکمیت شرکتی بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عدالت مالیاتی. *حسابداری مدیریت*، ۱۱(۳۸)، ص ۲۷-۴۶.
- باباجانی، جعفر؛ ستایش، محمدحسین (۱۳۸۶). تعیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد و بررسی قابلیت‌های سیستم حسابداری دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به منظور تحقق پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۴(۴۹).
- پشته نونی، یاسر؛ غلامرضایپور، محمد؛ کاظمی، پوریا؛ امیرنیا، نرجس (۱۴۰۰). بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی: آزمون نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی و نمایندگی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۱)، ص ۴۵-۶۶.
- حساس یگانه، یحیی؛ بولو، قاسم؛ رضائی، شهروز (۱۳۹۸). الگویی برای تاثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۴)، ص ۱۱۱-۱۳۰.
- حساس یگانه، یحیی؛ رضایی، شهروز (۱۳۹۷). مدلی برای تاثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۵(۵۵)، ص ۲۷-۵۸.
- دارابی، رویا؛ پاشانژاد، یوسف؛ تدین‌فرد، اسماعیل (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۴(۱۵)، ص ۶۷-۹۲.
- فخاری، حسین؛ فصیح، الهام (۱۳۹۵). تاثیر مالکیت خانوادگی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مبتنی بر تئوری نمایندگی). *دانش سرمایه‌گذاری*، ۵(۲۰)، ص ۱۴۵-۱۶۴.
- فخری، مجید؛ پارکی، علی؛ خوشکار، فرزین (۱۴۰۰). بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۳(۱۱)، ص ۲۲-۴۱.
- قرنچیک، آرزو؛ گرکز، منصور (۱۳۹۸). در بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۸(۷۰)، ص ۱۷۵-۱۹۳.
- نظری ابریکوه، علی؛ عزیزی، میدیا (۱۴۰۱). بررسی رابطه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی اعضای هیئت مدیره و عملکرد مالی شرکت‌ها. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی*، ۲(۲)، ص ۸۷-۱۳۲.
- Abbott, W. & Monsen, R. (2012). On the measurement of corporate social responsibility: Self-reported disclosure as a measure of corporate social involvement. *Academic Management Journal*, Vol.22, p.501-15.
- Ali, F., Wang, M., Jebran, K. & Ali, S.T. (2021). Board diversity and firm efficiency: evidence from China. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 21(4), p. 587-607. DOI: 10.1108/CG-10-2019-0312
- Arora, A. & Bodhanwala, S. (2018). Relationship between corporate governance index and firm performance: Indian evidence. *Global Business Review*, 19(3), p. 675-689.

- DOI:** 10.1177/2F0972150917713812
- Babin, B.J. & Svensson, G. (2012). Structural equation modeling in social science research: issues of validity and reliability in the research process. *European Business Review*, 24(4), p. 320-330.
- DOI:** 10.1108/09555341211242132
- Carroll, A.B. (1991). The pyramid of corporate social responsibility: toward the moral management of organizational stakeholders. *Business Horizons*, 34(4), p. 39-48.
- Chen, L.H., Gramlich, J. & Houser, K.A. (2019). The effects of board gender diversity on a firm's risk strategies. *Accounting & Finance*, 59(2), p. 991-1031.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are Family Firms More Tax Aggressive than Non financial Firms? *Journal of Financial Economics*, 95(1), p. 41-61.
- Chouaibi, J., Rossi, M. & Abdessamed, N. (2021). The effect of corporate social responsibility practices on tax avoidance: an empirical study in the French context. *Competitiveness Review: An International Business Journal incorporating Journal of Global Competitiveness*, 32(3), p. 326-349.
- Chouaibi, J., Rossi, M. & Abdessamed, N. (2021). The effect of corporate social responsibility practices on tax avoidance: an empirical study in the French context. *Competitiveness Review: An International Business Journal incorporating Journal of Global Competitiveness*, 32(3), p. 326-349.
- Dakhli, A. (c2021). The impact of ownership structure on corporate social responsibility: the moderating role of financial performance. *Society and Business Review*, 16(4), p. 562-591.
- DOI:** 10.1108/SBR-01-2021-0013
- Dakhli, A. (d2021). The impact of ownership structure on corporate tax avoidance with corporate social responsibility as mediating variable. *Journal of Financial Crime*, 29(3), p. 836-852.
- DOI:** 10.1108/JFC-07-2021-0152
- Davis, A.K., Guenther, D.A., Krull, L.K. & Williams, B.M. (2016). Do socially responsible firms pay more taxes? *The Accounting Review*, 91(1), p. 47-68.
- Desai, M.A. & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), p. 145-179.
- Dur'an, R., Lozanoand, M.B. & Yama, S. (2016). Is Family Control Relevant for Corporate Cash Holding Policy? *Journal of Business Finance & Accounting*, 43(9), p. 1325-1360.
- Govindan, K., Kilic, M., Uyar, A. & Karaman, A.S. (2021). Drivers and value-relevance of CSR performance in the logistics sector: a cross-country firm-level investigation. *International Journal of Production Economics*, Vol. 231, p. 107835. **DOI:** 10.1016/j.ijpe.2020.107835
- Hanlon, M. & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), p. 127-178.
- Hoseini, M., Gerayli, M.S. & Valiyan, H. (2019). Demographic characteristics of the board of directors' structure and tax avoidance. *International Journal of Social Economics*, 46(2), p. 199-212.
- DOI:** 10.1108/IJSE-11-2017-0507
- Jarboui, A., Saad, M.K.B. & Riguen, R. (2020). Tax avoidance: do board gender diversity and sustainability performance make a difference? *Journal of Financial Crime*, 27(4), p. 1389-1408.
- DOI:** 10.1108/JFC-09-2019-0122
- Jensen, M.C. & Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and



- ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), p. 305-360.
- Johnston, M.C. & Meckling, W.H. (2011). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), p. 305-360.
- king, G., Taylor, G. & Lanis, R. (2019). The impact of financial distress on corporate tax avoidance spanning the global financial crisis: Evidence from Australia. *Economic Modelling*, Vol. 44, p. 44.
- Landry, S., Deslandes, M. & Fortin, A. (2013). Tax Aggressiveness, Corporate Social Responsibility and Ownership Structure. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*, 14(3).
- Lanis, R., Richardson, G., Govendir, B. & Pazmandy, G. (2020). The effect of board of directors' expertise and tax avoidance on corporate debt. *Accounting & Finance*, 61(3), p. 4475-4511. **DOI:** 10.1111/acfi.12738.07
- López González, E., Martínez Ferrero, J. & García Meca, E. (2019). Does Corporate Social Responsibility Affect Tax Avoidance: Evidence from Family Firms. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, Vol. 26, p. 819-831.
- Majed, L.R., Makri, M. & Kintana, M.L. (2019). Diversification Decisions in Family Controlled Firms. *Journal of Management Studies*, 47(2), p. 223-252.
- Martinez-Jimenez, R., Hernandez-Ortiz, M.J. & Cabrera Fernandez, A.I. (2020). Gender diversity influence on board effectiveness and business performance. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 20(2), p. 307-323. **DOI:** 10.1108/CG-07-2019-0206
- Mason, C. & Simmons, J. (2014). Embedding Corporate Social Responsibility in Corporate Governance: A Stakeholder Systems Approach. *Journal of Business Ethics*, 119(1), p. 77-86.
- Montenegro, T. (2021). Tax Evasion, Corporate Social Responsibility and National Governance: A Country-Level Study. *Sustainability*, 13(20). **DOI:** 10.3390/su132011166
- Mouakhar, K., Kachouri, M., Riguen, R. & Jarboui, A. (2020). The effect of sustainability performance and CSR on corporate tax avoidance with board gender diversity as mediating variable. *Recherches en Sciences de Gestion*, Vol. 3, p. 303-339.
- Natalia, M., Carolina, V. & Joni, J. (2021). Relationship between corporate social responsibility disclosure, corporate governance, and tax avoidance. *KINERJA*, 25(1). <https://doi.org/10.24002/kinerja.v25i1.4198>
- Pertiwi, S.R. & Prihandini, W. (2021). Gender diversity as the moderating effect on tax avoidance, economic value added, and firm value: a study of companies listed on Indonesia stock exchange 2015-2019. *International Journal of Economics, Business and Accounting Research (IJEBAR)*, 5(1), p. 241-255.
- Rahman, J.M. & Leqi, L.I. (2021). *Corporate social responsibility (CSR): focus on tax avoidance and financial ratio analysis*. Accountancy Business and the Public Interest. Available at: <https://ssrn.com/abstract=3773360>
- Reguera-Alvarado, N. & Bravo-Urquiza, F. (2021). The influence of board social capital on corporate social responsibility reporting. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JIC-11-2020-0359>
- Reguera-Alvarado, N. & Bravo-Urquiza, F. (2021). The influence of board social capital on corporate social responsibility reporting. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. **DOI:** <https://doi.org/10.1108/JIC-11-2020-0359>
- Richardson, G., Taylor, G. & Lanis, R. (2016). Women on the board of directors and corporate tax

- aggressiveness in Australia. *Accounting Research Journal*, 29(3), p. 313-331.
- Salhi, B., Riguen, R., Kachouri, M. & Jarboui, A. (2019). The mediating role of corporate social responsibility on the relationship between governance and tax avoidance: UK common law versus French civil law. *Social Responsibility Journal*, 16(8), p.1149-1168.
- DOI:** 10.1108/SRJ-04-2019-0125
- Sheikh, S. (2019). Corporate social responsibility and firm leverage: The impact of market competition. *Research in International Business and Finance*, No.48, p.496-510.
- <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2018.11.002>
- Sikka, P. (2010). Smoke and Mirrors: Corporate Social Responsibility and Tax Avoidance A Reply to Hasseldine and Morris. *Accounting Forum*, 37(1), p. 15-38.
- Suranta, E., Midadstuty, P. & Hasibuan, H.R. (2020). The effect of foreign ownership and foreign board commissioners on tax avoidance. *Journal of Economics, Business, and Accountancy Ventura*, 22(3), p. 309-318.
- Vacca, A., Iazzi, A., Vrontis, D. & Fait, M. (2020). The role of gender diversity on tax aggressiveness and corporate social responsibility: evidence from Italian listed companies. *Sustainability*, 12(5).
- Yuan, Y., Gaoliang, T., Louise, Y.L. & Yangxin, Y. (2021). CEO Ability and Corporate Social Responsibility. *Journal of Business Ethics*, 157(2), p.391-411.

